پرچم

دافغانستان د خلک دموکراتیک افکارو خپرونکی

۸میزان ۱۳۴۷

ا. عمر فیض – کلکسیون پرچم اهدا به آنهایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

اسرائیل چه می خواهد:

حق زندگی یا حق توسعه جوئی ؟

دولت کوچك ، ولی ماجرا جوی اسرائیل در مدت کوتاه عمر ۲۰ـ سالهٔ خویش عملانشانداد که زیونیزم (صیهونیت) اساس سیاست داخلی و خارجی آن را تشکیل میدهد .صیهونیت (نهضت جمع کـردن یهودیان در فلسطین) از آغاز آن بحیث یك جنبش ارتجاعی بورژوا ـ ناسیو نالستی یهودیان دشمـن سرسخت عقاید و جریانات مترقی ، دوست وفادار و متحد نزدیك ارتجاع امپریالیستی بوده است ، که در فعالیت عملی خود باسازمان هـای جاسوسی و تخریبی امپریالیستی و مراکز بزرگ پولی در کشور های بزرگ سر مایه داری غرب ارتباط دارد .

سیاست خارجی اسرائیل از آغاز مبنی بر اتکاء و همبستگی بـا ـ امپریالیزم ، دخالت در امور داخلی کشور های عربی ، ضدیت با جنبش آزادیبخش ملی ضد استعماری وضد ارتجاعی خلقهای عرب ، تجاوز ، اشغال و الحاق بوده است. زمامداران اسرائیل در سیاست داخلی خـود از شیوه تبعیض نژادی ، تشـدد ، ترور و انواع شکنجه های غیـر انسانی ، نه تنها در برا بر اعراب فلسطین ، بلکه حتی در برابر آنعده یهودیان مهاجریکه از کشور هـای آسیا و افریقا آمده بودند ، کار گرفته اند. وصدها هزار نفر عرب را از خانه های شان اخراج وبترك وطن مجبورکرده اندکه امروز تعداد شان تقریبا بیك ملیون نفر میرسد ودربدترین شرایط ، بصورت آواره در کشور های دیگر بسر می برند وحیثیت مشکل لاینحلی را بخود گرفته است .

دولت اسرائیل و محافل حاکمهٔ آن بنابر ماهیت ارتجاعی خود و بامید تاسیس «اسرائیل بزرگتر» همیشه وسیلهٔ پیشبرد مقاصد استعمار نوین و امپریالیزم ، ومنبع مهم بحرانات ، جنگ و خونریزی در این ناحیه پر آشوب و استعمار زده جهان بوده است .

امپریالیزم بین المللی میکوشد باستفاده از ماهیت ارتجاعی محافل رسمی اسرائیل و اهداف توسعه جوئی آن ، کشور اسرائیل را بحیث یك پایگاه مطمئن و وسیلهٔ نفوذ سیاسی، نظامی و اقتصادی خود در کشور ـ های عربی و جنبش های آزادیبخش ملی دموکراتیک و مترقی جهان عرب قراردهد. بنابر همین علت است که امپریالیزم برای استحکام و تقویهٔ این پایگاه (اسرائیل) از بذل هر گونه کمك مالی و نظامی دریغ نمی نماید. تنها حکومت امریکا در سال گذشته بیش از ۵۰۰ر۳ ملیون دالر بنام های مختلف امداد نظامی ، اقتصادی و غیره به دولت اسرائیل معاونـت نموده است .

حکومت آلمان غرب بیش ۲۰۰ر۱ ملیون دالر به عنوان جبران خساره، غرامات و خونبهای قتل ٦ ملیون یهودی به دولت اسرائیل پرداخته و صد ها ملیون مارك بعناوین مختلف دیگر جهت تقویه قدرت نظامـی اسرائیل ، به آنکشور معاونت کرده است . امداد نظامی فرانسه یکی از عوامل پیروزی اسرائیل در جنگ سال گذشته بشمار می رود. اینها وده ها ملیون دالر کمك دیگر کشور های امپریالیستی و شرکت هـای بزرگ انحصاری بوده که در سال ۱۹٦۷ اسرائیل را جرات بخشید که به همکاری مستقیم وغیرمستقیم، علنی و مخفی امپریالیزم امریکا ، علیه کشور های عربی بـه تعرض بپردازد و سر زمینهای وسیع اعراب راکه چندین برابر خاك ان است موقتا اشغال کند و تا امروز علی رغم فیصله شورای امنیت موسسه ملل متحد ، فشار افکار عامهٔ جهان درآن مناطق اشغالی تصرف مالکانه مینماید وهر لحظه خطر بروز یك جنگ وسیع ترا نزدیکتر میکند .

آیا اسرائیل حق حیات می خواهد؟

اگر واقعا اسرائیل خواهان حق حیات و حق موجودیت است وآرزو دارد از طرف دول عربی ، دولتهای مسلمان و تمام کشور هـای صلحدو ست جها ن شنا خته شود، راههاووسایلیراکه برای رسیدن باین هدف بکار می برد غیر ازآنست که باید بکار برده شود و اصلا نمایندگـی از این نیت و آر زو نمی نماید .

هرگاه دولت اسرائیل خواسته باشد باستعمال اسلحه ، فشار و تهدید موجودیت خود را بر ملل عرب ودیگر کشورهای مسلمان وصلحدوست جهان تحمیل کند ، این یك اشتباه است . چه امروز نه اسرائیل و نه حامی آن امپر یالیزم، هیچ کـدام در موضعی قرار ندارد که بتواند آرزوی خودرا بر دیگران باجبـر واکراه بقبولاند ، بر عکس این شیوه هنوز اسرائیل را بیشتر تجریـد و منفور می نماید و موجودیت آنرا زیاده تر در خطر می اندازد . ایـن واقعیتیست که باید صیهو نیـان و هوا خواهان امپریالست شان آنرا درك کنند و نباید پیروزیهای موقتی آنهارا فریب بدهد .

یگانه راه معقول که میتواند برای بیرون شدن اسرائیل از این وضـع بحرانی کمك نماید اینست کـه اسرائیل یك سیاست مستقل ملی را جدا ا زامپریالیزم و برضدامپریالیزم پیروی نماید . بقای خودرادرنزدیکی وهمکاری باجنبش آزادیبخش ملی اعراب بجوید، نه درهمبستگی و نزدیکی باامپریالیزم بحیث دشمن خلقهای عرب و اشتراك در دسایس امپریالیستی برضد رژیم های مترقی در کشور های عربی .

تمام نیرو های مترقی جهان بـا فیصله نامه ۱۹٦٦ کمیتهٔ مر کزی حزب طبقهٔ کارگر اسرائیل تحـت عنوان « دفاع از صلح و آزادیهای دموکراتیك » توافق دارند که میگوید: « تجربهٔ که از ۱۸ سال مو جودیت دولت اسرائیل بدست آمده نشان میدهد که سیاست عنعنوی اسرائیلی به تجرید شدن بیشتر اسرائیل در عرصهٔ بین المللی خدمت میکند و صلح را با کشور های عربی از بین می برد .

حزب طبقهٔ کار گر اسرائیل عمیقاً معتقد است که راه برای بیرون شدن از این بحران و جلو گیری از تجرید شدن اسرائیل و ایجاد تفاهم متقابل باخلقهای عرب و صلح که شدیداً آرزو می شود ، وجود دارد. این راه عبارت است از تغییر دادن سیاست رسمی ، دست بر داشتن از مداخله در مبارزه تاریخی اعراب علیـه امپریالیزم و ارتجاع عرب بخاطر آزادی ملی و رهائی اجتماعی شان ، عدم اشتراك حکومت اسرائیل در پلان ـ های امپریالیستی که برضد خلقهای عرب باشد. آمادگی حکومت اسرائیلی برای برسمیت شناختن حقوق اعراب در فلسطین و فوق همه حقـوق مهاجرین عرب که اختیار داشتـه باشند به خانه های شان بر گردند وبایشان جبران خساره داده شود .

چنین سیاست تمام اوضاع اسرائیل را در این ناحیه تغییر خواهد داد و در بوجود آوردن یك فضای جدید در مناسبات اعراب و اسرائیل کمك خواهد نمود ، راه را برای مذاکره و شناسائی اسرائیل از طرف دولت های عربی و حقوق مشروع آن هموار خواهد ساخت و منجر به حل معقول وصلح آمیز مساله براساس شناسائی متقابل حقوق ملی هردو خلق خواهد گردید ».

تنها پیروی از چنین سیاسـت است که میتواند بـوضع وخیم و خطرناك فعلی ، به نفع خلقهای عرب واسرائیل ، به نفع صلح جهانـی و صلاح تمام بشریت صلح خـواه، خاتمه دهد. در غیر آن واضح میگردد که اسرائیل حق توسعه جوئی ، حق تشکیل «اسرائیل بزرگتر» بین نیل وفرات میخواهد، نه حق موجودیت و حیات . ادامه این سیاست آتشی را برخواهد افروخت که اسرائیل وتمام پلانهای توسعه جوئی آنرا بسوزاند وبار دیگر آنرا از نقشهٔ دنیا محـو نماید . شعله های مبارزات آزادیبخش ملی ومترقی خلقهای عرب و جنگهای پارتیزانی عادلانه و قهرمانانه موسسهٔ الفتح مظهر این رستاخیز عظیم و طلایه محو پلان سیاست توسعه جوئی طراز فاشستی اسرا ئیل وامپریالیزم جهانی و تکیه گاه عمدهٔ آن امپریالیزم ایالات متحدهٔ امریکا در این بستر داغ جهان است .

بازهم اخراج ، بازهم دسایس

علیه کارگران پروژه انتقال گاز شبرغان

طوریکه قبلا اطلاع داده شده یك سلسله د سا یس و سیعی علیه کار گرا ن کشور د ر جر یان است. ضربه ها ی آشکار ا زاین نا حیه متو جه کار گران پروژهٔ ا نتقال گا ز شبر غا ن. فا بر یکهٔ نسا جی گلبهار و فا بریکهٔ سپین زر کندز می با شد .

بر ا ساس گزار شیکه درشما ره های گذ شته منتشر گردیده بود، بروزهای ۲۸ـ ۲۹ـ ۳۰ جو زای سال جاری کا ر گرا ن پروژهٔ ا ستخراج وا نتقال گا ز شبر غا ن د ست باعتصاب قانونی ومسا لمت آ میز زده بودند. مطا لبات کار گرا ن در مجموع خودعبار ت بوداز خواستهای اقتصادی بسیار ابتدایی و قا نو نی وقابل اجراء .

این مطا لبات دراثر مفاهمه با و لایت جوزجان و آمر یت پرو ژه پذیر فته شد. کا ر گران زحمتکش ووطنپرست باساس سندیکه کتباً از طرف آمریت در مورد قبول خوا ستهـای شان دریا فت دا شته بودند با عتصاب خاتمه داده، بکار آغازکردند. مگر گذ شت چند ماه نشان داد که آمریت پروژه اهلیت و شا یستگی پا بندی به تعهدا ت خود را ندا رد .

مقام با صلا حیت در بـرابـر استیضاح کار گـران در مورد ا ین پیمان شکنی، بجای آنکه تعهـدا ت خود را مو رد تطبیـق قرا ر د هد کار گر ا ن را تحت فشار ولت وکوب قرارداده وبا تعقیب سیا ست تفرقه افگنی و تبعیض قومی عده ئـی را شکنجه و روا نه زندا ن نمودند .

آمر عمو می پرو ژهٔ ا نتقال گاز به تحریکات ضد مصا لح ملی دست زد ودر برابر کار گران و خلق کارگر نجیب ولایت جوز جان از سیا ست تبعیض که بر هم زننده و حدت ملی ومصا لح عا لی خلقها ی افغا نستان میبا شد وآتش نفاق ملی را دا من میزند خود دا ری نکرد ودر نتیجه در حدود بیش ا ز ۲۰ تن از کارگران نجیب وو طن پر ست را بدون دلیل قا نو نی از کا ر ا خر ا ج کردند وتاکنون هم که این سطور را مینویسیم باران تحقیر و تهدید ودشنام بروی کار گران می بارد و سلسله دسا یس وتو طئه برا ی تصفیه ومجا زا ت دوا م دا رد .

اینست ا عمال زشت واجرا آت آمرین و کار فرما یانیکه برسرنوشت کشورما مسلطند وامر ا نکشا ف مملکت بد ست شا ن سپـرده شده وسیا ست ظلم و تعدی را علیـه کارگران دورانساز کشور تعقیب می نمایند.

پرچم: خا طر نشان میسا زد که علی ر غم این همه د سا یس وفشار مقامات حاکمه، نهضت جوا ن کارگری برشد روز افزون خود دوام خواهدداد وباتا مین وحدت وا تحاد کارگران وطن باطبقات دموکرا تیـک کشور احقاق حق خوا هند کرد .

باید د سا یس علیه کار گران وطن قطع گردد و کار گرا ن اخراج شده دو باره بکار شامل شوند .

اخطار شوروی

به اسرائیل

وزارت خارجه شو ر وی طی اعلامیه ئی به اسرائیل اخطار دا د . در اعلامیه گفته می شود که محافل حاکمه اسرائیل برای حل معضلا ت شرق میانه را هی جز اعمال ز و ر نمی بینند. دراسرائیل نقشه هـای دیگری برای غارت سر زمیـن ها ی عربی تر تیب شده است. و بـرای تحکیم قدرت نظامی اسرائـیل د رسر زمینهای اشغالی تر تیبات جدیدی گر فته می شود.

اعلا میه تصر یح میکند که دولت اسرائـیل از فیصله هـای شو رای امتناع می ور زد.

اعلامیه می گو ید: اسرائیل بـه اتکای امپرا یا لیزم امریکا از اجرای این فیصله نـا مـه ها سر پیچی می نما ید .

در اعلامیه گفته می شود که دولت شوروی به دولت نام نهاد اسرائیل شدیداً اخطار مید هد واسرائیل را متو جه سیاست تحریك آمیز آ ن می نماید ودولت اسرائیل رامسوؤل تمام تجاوزات و تحر یکا تی میدا ند که در شرق میانه علیه جمهو ر یت متحد عربی، اردن و سو ریه صورت می گیرد. در اعلامیه به تمام دو لت های عربی که برای د فاع از استقلال ملی خود مبارزه می کنند، اطمینا ن داده شده است که اتحاد شو روی در این مبارزه بآنها کمك مینما یـد ومر دمان عرب میتوانند به نیر و ی توانای اتحاد شو روی تکیه نمایند. در اعلامیه تصریح گردیده است که اتحاد شو روی حا ضر است ما نند گذشته به پیکار عادلانه خلق عر ب بی دریغ کمك نما ید !

* * *

تل ابیب: لیوی اشکول صد راعظم اسرائیل به نما یند گان جرا ید اظهار داشت: امریکا بزودی پنجاه عـدد طیاره جت جنگی نو ع فانتوم اف٤را در اختیار دولت اسرائیل قرارخواهد داد. وی گفت که امریکا در تقو یـه نظامی اسرائیل بسیار کمك نمو د ه است .

از (ص اول)

بیست و سومین ...

تحریك عنا صر مر تجع و ضد تر قی در امور داخلی کشور هـای د یگـر مدا خله کنند ، و صلح جها نرادر خطر ا ندا زند .

در چنیــن او ضاع وا حـوال مسؤو لیتها ی بـزرگ متو جـه اسا مبلهٔ عمو می ملل متحد می باشد وخواست جدی تمام بشریت صلحدوست وترقیخوا ه اینست که ا سا مبلهٔ عمومی ملل متحد ،بغر ض جلو گیری از و قوع جنگ تباه کن ذروی ومحو تمدن بشر ی وبمنظور تقویه مرام صلح، آزادی و تر قی ، تدابیرضروری وجدی را درراه خا تمه دادن به مسابقهٔ تسلیحاتی واجرای خلع سلاح عام وتام اتخاذ نما ید . برا ی رسیدن باین هدف عا لی بشری حتمی است که بحیث تدا بیر مشخص مقد ما تی : آزما یشهای سلاح ذروی منع قرار داده شود، به ساختن اسلحه ذروی خا تمه داده شود. ذ خا یر سلاح ذروی تقلیل یابد ودرقدم دوم تمام ذخایر سلاح زرو ی تحت کنترول ونظارت بین المللی ازبین برود .

متیقنیم که ا جرای این تدا بیر شرایط لازم برا ی پیشرفت در راه خلع سلاح عام وتام را تهیه خواهد دید وصلح در جهان ا ستقرار خواهد یا فت .

پیوند شعله ها

این خوشه های خشم ،
این شعله های کین،
از دیر باز ها:
درشوره زار تلخ تب آلود زندگی،
درظلمت سیاه پر ازننگ بندگی،
ازخاك رسته اند.

* * *

اینها، نه خوشه های سکر زای
باده هاست،
اینها، نه شعله های هو سها و
بزمها ست،
این ،خوشه های نفرت دیرین
خلقهاست،
این، شعله های خشم شرر بار
توده هاست،
گز دیر بازها:
دربیکران ظلمت شبهای بیفروغ،
ازیاد رفته بود.

* * *

واکنون که سمت چرخش تاریخ
روز گار:
روشنتر ین مسیر بهاران
زندگیست.
این خوشه ها: بسر رسیده،
وین شعله ها به اوج،
آن روز پرفروغ که تلخی خوشه ها،
چون حبه های زهر،
در کام جابران ستمگر فرو رود ،
چندان بعید نیست!

* * *

آن روز رستخیز که عصیان شعله ها
لرزنده پایه های «کهن نظم اجتماع»
وین:
ننگین ترین حصارزمانهای کهنه را:
بلعد بکام خویش.
چندان بعید نیست!

* * *

ا ما ...
تنها:
نیروی خوشه پرور گرمی شعله ها
درکسب افتخار به ایجاد هر روز:
پیوند خوشه هاست،
پیوند شعله هاست!

داؤد «کاویان»

در حاشیه

اخبار و حوادث

اوتانت سرمنشی سازمان ملل متحد ، دربیانیهٔ افتتاحیهٔ خویش درکنفرانسی پیرامون حقوق بشر ، اظهار تاسف نموده است که : « علی رغم سپری شدن ۲۰ سال از میثاق حقوق بشر، هنوز وقایعی درجهان جریان دارد که از تجدید سرکشیها و اذیت و آزار بشر حکایت میکند »

ما میگوئیم : هرگاه سری هم بکشور مازده شود، اینجا، درین عزا خا نه حقوق بشر ، علی رغم آنکه دو لت افغانستان نیزپای میثاق حقوق بشر امضاکرده است، هرروز هزاران بار در اطراف و اکناف کشور ، در شهرها و دهات وطن ، حقوق بشر ، حقوق افراد بیدفاع وطن ، به بیرحمانه ترین شکلی بوسیلهٔ متنفذین و ارباب قدرت پامال می شود !

* * *

طبقات حاکمهٔ وعمال گوش بفرمان شان هرروز بپیروی از سیاست «تفرقه انداز و حکومت کن» آتش اختلافات مذهبی ، منطقوی ، لسانی و نژادی رادامن میزنند ، واما نمایندهٔ افغانستان در سیمینار بین المللی رفع تبعیض نژادی در دهلی جدید بـا ـ گردنی افراشته (!) پشتیبانی حکومت افغانستان را از ارزشهای اعلامیهٔ حقوق بشر تائید (!) مینماید .

* * *

روزنامهٔ انیس در صفحهٔ (٤) شمارهٔ (۳۰) سنبله خویش بحروف درشتی مینویسد: « افغانستان نن دمثبت او گتور تحول په در شل کنبی ولاړدی» یعنی: «افغانستان امروز در آستانهٔ یك تحول مثبت و مفید قرار دارد .»

توجه کنید ! زیر این عنـوان پر مفهوم نوشته ا نـد: بنو و نځی ابوالفتح بستی (درلشکرگاه) بـه متوسطه ارتقاء یافت . بعبارت دیگر یك صنف در مکتب نامبرده اضافـه شد !

یاللعجب ، چه تحول بزرگ !...

آیا میتوان پرسید: آخر چه وقت افغانستان ازین آستانـهٔ تحول (!) به تحول میگراید ؟ این سالهاست که آستانهٔ تحول (!) شعار هیـأت حاکمه افغانستان است . آخر این همه عوامفریبی وتحمیق مردم نجیب کشور تابکی و تاکجا ؟!!!

* * *

در یکی از فیصله نامه هائیکـه اخیراً کنفرانس منطقوی یونسکو در توکیو صادر کرد ، گفته شده که برای حفظ آثار تاریخی بامیان هرگونه کمك مقتضی داده شود .

نمایندگان طبقهٔ حاکمه افغانستان راجع به فرهنگ ملی باطمطراق حرف میزنند ولی هر روز گوشه ئی از بناها و آثار تاریخی کشور از هـم می باشد وقسمتی از آثار مکشوفهٔ تاریخی از کشور به یغما بـرده می شود ، ولی هیچگونه توجـه اساسی بدان مبذول نمیگردد .

تاسف آور است اگر وزارت کلتور افغانستان بازهم مانند همیشه فریاد دفاع از فرهنگ ملی کشور راوسیلهٔ تبلیغاتی محض علیه نیرو هـای ترقیخواه و دموکراتیك خلق قرار دهد ، ولی خود عملا در برابر حفظ آثار تاریخی واحیای فرهنگ شگوفان ملی کوچکترین احساس مسؤو لیتی نکند .

دیوه یی

پرچم

هر دو شنبه خپر یږی

دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر : سلیمان لایق

آدرس: غوثی مارکیت، محمدجان ـ خان واټ

کابل ـ افغانستان

دیوی گڼی بیه: ۵۰ر۲ـ افغا نی

دولتی مطبعه

پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره بیست ونهم دو شنبه ۸میزا ن ۱۳۴۷ هـ ۳۰سپتمبر ٦۸

ا. عمر فیض – کلکسیون پرچم اهدا به آنهایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

دافغانستان دخلکو دپرگنوملی اوطبقاتی شعور وده کوی . امپریالستی ارتجاع په تکل کی ده ترڅو دملی حاکمیت عالی تفکر تحریف کاندی او دهغـه محتوی مسخ کړی ، ملی تضادونه تشدید کاندی ملی نفاق ،ملی استثناء غوښتنه ، ملی تفوق غوښتنه او ملی سپکاوی ولمسوی .

دافغانستان د خلـك دمـو کـرا تیـك ترقی غوښتونکی قوتونه،دملی حاکمیت له تفکر، دملتونو دحقوقو دبرابری په خاطر اومتقابل اعتماداودوستی او گډتعاون اوداجتماعی تـرقی اوتعالی پـه گټه دلانیږدی تماس دبرقراری دفاع کـوی او دهغه ددموکراتیکی محتوی داستقرار په لاره کـی کلکـه مبارزه کوی .

شعور طبقاتی وملی توده های عظیم خلق افغانستان رشد میکند . ارتجاع امپر یالستی تـلاش می ورزد تااندیشه عالیه حاکمیت ملی را تحریف ومحتوی آنرا مسخ کند ، تضادهای ملی راتشدید نماید، تفرقه ملی،استثناء طلبی ملی ، تفوق طلبی ملی وحقارت ملی راتحریك نماید .

نیروهای ترقیخواه دموکراتیك خلق افغانستان از اندیشه حاکمیت ملی ، بخاطر تساوی حقوق ملل واعتماد متقابل ودوستی وتعاون مشترك وبرقراری تماس نزدیکتر به نفع ترقی وتعالی اجتماعی دفاع میکند و در راه استقرار محتوی دمـوکـراتیك آن مجدانه مبارزه مینماید .

وحدت و اتحاد خواست اساسی ماست

یکی از خواستهای صادقانه و اساسی نیروی ترقیخواه وطنپرست (دموکراتیك خلق افغانستان) عبارت است از: تامین همبستگی و وحدت ایدئولوژیکی ، سیاسی ، سازمانی تمام محافل و عناصر دموکراتیك خلق ومترقی کشور برپایه های ۱ ـ اصول جهان بینی علمی ، ۲ ـ مرام نجات بخش دموکراتیك خلق منتشره در جریدهٔ خلق، ۳ـ اصول مر کزیت دموکراتیك ، ٤ ـ روش و خط مشی مطروحه در جریدهٔ پرچم نـاشـر اندیشه های دمو کراتیك خلـق افغانستان .

مانه تنها خط مشی معطوف بـه وحدت و همبستگی فوق را مجدانه تعقیب خواهیم کرد ، بلکه برای نیل به این هدف عالی و اجرای خط مشی عمومی وجاری خود در هر مر حله مبارزه و نهضت ، در راه اتحاد و اتفاق تمام نیرو ها ، محافل وعناصر ترقیخواه وطنپرست ، دموکراتیك وملی ضد امپریالیزم وضدفئودالیزم، ضد استبداد ، ضد ارتجاع ، ضد استعمار ، ضد ستم ملی ، و در راه تحقق آزادیهای مصرح در قـانون اساسی ودرراه آزادی تشکیل احزاب، اجتماعات ومطبوعات وآزادی انتخابات (بحیث شعار عمدهٔ روز) مجدانه و پیگیر ، صادقانه و صمیمانه سعی وتلاش خواهیم کرد .

وظیفه مبرم تمام عناصر وطنپرست وترقیخوا هان دموکراتیك خلق است تاوحدت وهمبستگی ، اتحاد و اتفاق راجانشین اختلافهای تنگ نظرانـه کنند ، عقده ها و کینه های شخصی، خود خواهی و شخصیت پرستی ، بلند پر وازی و قهر مان بـازی ، شوونیزم و سکتریزم ، تفوق طلبی و محلی پرستی ، ماجرا جوئی وتسلیم طلبی ، سازشکاری و ذهنگیری ، تفرقه افگنی وانشعابگری ، رفورمیزم ودگماتیزم ، انحراف چپ و راست، رویزیونیزم واپورتونیزم راست وچپ رادر میان خود راه ندهند و علیـه آنها در درون سازمان و در نهضت درچار چوب اصول و موازین اخلاق عالی مترقی و سجیهٔ وطنپرستانـهٔ خلقی ودموکراتیك که باانتقاداز خود و نر مش و شکیب، حزم واحتیاط، تحمل وبیپگیری ، هشیاری ودلیری توام باشد با تواضع بر خورد و مبارزه نمایند . و هیچگاه راه مباحثـه و مفاهمه ، مصالحه و موافقهٔ اصولی را بخاطر وحدت و اتحاد ، بخاطر تامین وتطبیق مرام مشترك و عمل مشترك ، بخاطر پیشرفت نهضت و سرانجام بخاطر مبارزه پیروزمندانه علیه دشمنان مشترك خلق و وطن محبوب مـا افغانستان و شکست ارتجاع وامپریالیزم مسدود نسازند.

ببرك كارمل

بیاهم دهیوا دد صنعتی کولو

دمسالی په باره کی

امپر یالیستی ا رتجاع او دهغـه دا خلی بریخی له خو کلو نو راپدیخوا (خاصهٔ دهیواد ددو هم پنځه کلـن پلان نه را وروسته) هڅه کـوی دسیا سی ،اقتصادی اوآیدیالوژیکی تاثیر ټول وسایل سمبال کا نـدی او پدی توگه دهیواد دصنعتی کولواودلویو پرو ژو داعمار مساله غلطه وښیی اوپه عوض کی افغا نستان همدا راز دوروسته پاتی زرا عتی هیواد په حیث پاتی شی .

دغربی سر مایه داری هیوا دونو ټول ایډ یولو گان ، سیا ستمدا ران او اقتصاد پو هان او د هیواد په دولتی دستگاه ، اقتصا دی او کلتـو ری موسسو کی دهغو وفا دار داخلی شا گردان ، ټول په یوه آواز لـه پرو فیسر وا ی تنسکی ا مر یکا ئی او دفدرالی المان له پخوانی صدر ـ اعظم پرو فیسر ارها رد سره ناری وهی چه «دپر مختلو نکو هیوادو نو لپاره ستری طرحی غالبا نـما یشی جنبه لری اوبه همدی دلیل مـوږ (غربی هیوا د و نه) بـا یـد د ی هیوا دو نو ته اجازه ورکړو چه ترهر څه دمخه په کرهڼه اود صنعت دپرو ساده او کوچنیو اشکالو په هستو لو لاس پوری کړی ...»

مسلما دغه لاره چه امپر یالستان اود هغوی پر یخی یی موږ ته پیشنهاد کوی ، داسی لاره ده چه زمونږهیواد به دتل لپاره دنیم استعماری استثمار منگو لوته وسپا ری او داستعماری قید له ځنځیرنه بهیی خوشی نکړی او هیڅکله به افغا نستان دیو ورو سته پاتی هیواد له صورت نه دباندی راونه وزی او په نتیجه کی به هیڅکله زمونږ هیواد خپل اقتصا دی استقلال ته ونه رسیږی .

بهډیر افسو س باید وویل شـی چه دا اقتصا دی استعماری سیا ست په دریم پنځه کلن پلان کی ترلاندنیو مفاهیمو لاندی ماهرانه اوپه وضاحت بیان شویدی «په کرهڼه او صنا یعو کی ژر رسیدونکی پرو ژی ...، د زیر بنا پروژو داحداث په ساحه کـی دفعا لیت کمول ...، ښکاره ده چه دافغا نستان دخلکو دهیلو پوره کول دزرا عتی سکټور په پرمختگ پوری تړلی دی ...، باید دکر هنی ، اوبو ـ لگولو او سپکو صنائعو کو چنیو او سریع الثمروپروژوته رجحان ورکړی شی.،،، نور او نور » (دافغا نستان دا جتماعی اواقتصادی پرا ختیادد ریم پنځه کلن پلان کتاب ته دی مـراجعه وشی).

البته پدی کی هیڅ شك نشته چه صنعت او کرهنه زمونږ دټو لنی درشد لپاره ضروری دی ، مگر پدی تو پیر چه صنعت په اقتصا دی استقلال ، اجتماعی ترقی دخلکو په رفاه کـی اساسی برخه لری . ځکه داخو صنعت دی چه دا جتماعی ژوند ټولو ځانگو ته وسا یل او افزار برا بروی اودراز راز محصو لاتو دتولید په جریان کی اوله هغې جملی نه دکر هنی په تولید کی ستره مر سته کوی .

دافغانستان دصنعتی کولو مساله له پنځوسو کلونو راپدې خوا دهیواد دملی او ترقی غو ښتو نکو قو تونو یو اساسی هدف پاتی شو یدی.مگر له بده مرغه زمونږ وطن دا ستعمار دنفوذ اودمرتجعانه ، غلطو اووابسته سیاسی او اقتصادی فعا لیتو نوله کبله ورځ تر ورځی فر سخو نـه دجهانی ترقی او تمدن له کـار وان نه حتی له آسیا یی او افر یقایـی هیوا دونو نه بیرته پاتی شواولاتر ـ اوسه هم دهیواد زمامداران ،دسرمائی، (۳مخ)

تشکیل احزاب سیاسی

نمیتواند در انحصار هیات حاکمه باشد

آزا دی تشکیل احزا ب سیا سی، رکنی از ارکـان عمده دموکـراسی درزندگی اجتماعیست. وجود احزاب مختلف سیاسی در جوامع طبقاتـی از منافع متضاد طبقات گـوناگـون اجتماعی نمایندگی میکند. لذا تعدد احزاب درچنین جوامع از جملهٔ آن واقعیتهای جدی وسرسختی بشمار میرود کـه نمیتوان عـدد آنرا طبق دستور ویا منافع یـك طبقهٔ خاص تنظیم وتعیین نمود. از همینجاست کهٔ حتی آزادی تشکیل احزاب علی رغم تمایل درونی هیأ ت حاکمهٔ کشور، درماده (۳۲) قانون اساسی افغانستان نیز جای خودرا باز کرده است. ولی با کمال تـأسف باید خـاطر نشان ساخت که ازیکسو طرح قانون احزاب که ازطرف شوری تصویب گردید، ضد روحیهٔ آزادیهای مصرح در قانون اساسی و ضد اصول دمـوکـراتیك معمول در کشور هـای دموکـراسی قیودات زیادی را دربـرابر آزادی تشکیل احزاب به وجودآورد وازسوی دیگر در ین اواخر محافل حاکمـهٔ کشور تلاش می ورزند، بدون درنظر داشتن منافع اکثریت محروم وواقعیت عینی ضرورت رشد اجتماعی وارزشهای دموکراتیك قانون اساسی، درا به ره آزادی تشکیل احزاب به تقلیدبعضی ازکشور ها (انگلستان، امریکا،ایران وغیره) برای تحکیم منا فع ارتجاعی خود، احزاب سیاسی مربوط به طبقه حاکمه را دستوری بوجودآورندوآنهارا مورد معامله گری سیاسی وعوامفریبی قرار دهند .

هیأت حا کمه کشور در تلاش است تا با توطئه های گوناگونی طبقات دموکراتیك جامعه را ازتشکیل احزاب سیاسی ، که یگانه سلاح قـا طـع مبارزات طبقاتی ایشان بشمارمیرود، باز دارندوبه بهانهٔ «جلوگیری ازهرج ومرج ویااستقرار نظم » صرف به دو یاسه حزب قلابی ودستو ری مربوط به طبقات حاکمه اجازهٔ تشکیل دهند ودیگر جریانات سیاسی را طبق ارادهٔ خویش وگویا بوسیلهٔ «قانون» ویاتوطئه های ضد«قانون» ریشه کن سازند .

این نیرو های کهنه کارکه به فقر علمی دچار اند، بااین نیات عامیا نهٔ منسوخ میخواهند بر ضد جریان شناکنند. اینها بااندیشهٔ تنگ نظرانه خویش اراده (!) میکنند تابا عوامل وشرایط عینی وواقعیتهای سر سخت زندگی کـه ناشی از طبیعت جامعهٔ (ص ۲)

بمنظور تامین عدالت

ومساوات

(از مقدمهٔ قانون اساسی)

سخنگویان دستگاه حاکمه ، چـه در نطقهای پر طمطراق خود ازطریق تریبون شوری ، رادیو ، کرسی های خطابه و چه در مقالات و نوشته های خود از طریق جراید وروز نامه هـا، گزارشهای تحریری و حتی ازطریق نصب شعار ها در روی جاده های شهر ، از عدالت پروری ، برابری ، برادری ، مساوات وقانون دم میزنند. ایشان بدون در نظر گرفتن حقایق هلاکتبار اجتماعی و باتجاهل ازدرك تفاوت بین غژدیها و قصر ها ، بین فقر وغنا با پر رویی تبلیغ میکنند :

« در افغانستان طبقات وجودندارد وتقسیم جامعهٔ بـطبقات ستمگـر و وستمکش ، استثمار گر و استثمارـ شونده ، زحمتکش و غیر زحمتکش مخالف عدالت اجتماعی و مصالـح کشور ووحدت ملی است . در جامعهٔ افغانستان اختلافات طبقاتی وجود ندارد و مردم ما نسبت به اکثرکشور های جهان آرام و مرفه استند و...» هنگامیکه این سخن سرایان از رفاه صحبت میکنند ، رفاهی را منعکس میکنند که شامل حال خود شان است، وقتیکه از آرامی حرف میزنند خـود احساس آرامی می نمایند ، گاهیکه عدالت میگویند در حقیقت بـرای (ص۲)

عبدالقدوس کارگر

بحکم قانون باید ازحبس رها شود !

پرچم قبلا اعمال ضد قانونی وضد آزادیهای مصرح در قا نون ا سا سی وفعا لیت های تو طئه آمیز کار فرماوسو داگرذی نفوذدر دستگاه حاکمه را، در برا بر خوا ستهای ا قتصادی کا ر گران گلبهار و زندا نی شدن غیر قانو نی عبدالقدوس کا ر گروکیل کار گران فا بریکه نسا جی گلبهار، باطلاع عامه رسانیده است.خبر تازه میر ساند که بسلسلهٔ دسایس قبلی، بتاریخ ۲میزان، محفلی بد ستور سودا گر معلوم ا لحال (ص ۳)

مؤفقیت تازه فضائی اتحاد شوروی

مورد ستایش علمای جهان قرار گرفت

اکادمسین میخائیلوف به آژا نس خبر رسا نی تاس گـفـت: پرواز مو فقیت آمیز(زوند پنجم) به فضا، گردش آن بدور ما هتاب وباز گشت مو فقا نه آن بزمین، بدون شك یك مو فقیت بزرگ علمیست.امروزدیگر به اطمینا ن می توا ن گفت که ا نسان بزودی کرهٔ ما ه را تسخیر خوا هد کرد .

روز نامهٔ تا یمز لندن را جع به مو فقیت جدید شور وی می نویسد: دا نش شورو ی در جهان مقام اول رادا رد. رو ز نامه علا وه میکند: شورو ی او لین کشوری بود کـه سفینهٔ خود را به دو ر زمین ا رسال کرد، او لین انسان خود رابدوروزمین گردش داد، او لین دفعه از پشت ماه عکس بردا ری نمود، برا ی اولین بار یکنفرزن را به فضای خارجی فرستاد، او لین ا تو بـو س از شـو رو ی به فضای خا ر جی ا رسال شد، شورو ی بود که دو سفینهٔ فضا یی رادر فضابایکدیگر وصل نمود، برای او لین بـار سفینهٔ ماه نورد شوروی به کرهٔ ماه بصورت آرام پیاده شدواکنون نخستین بار (زوند پنجم) را بعداز گرد ش بدو را دو ر مهتاب مو فقانه بز مین فرود می آ و رد .

رو ز نامه تا یمز تصریح میکند: انسان شورو ی بزودی به کرهٔماه خوا هد رفت.

روز نا مهٔ لو موند پا ریس در این باره چنین می نویسد:اتحاد شوروی نشانداد که سالها در ا مور فضا ئی از ا مریکا پیش ا ست . از او ضاع چنین بر می آید که ا تحاد شـرو رو ی دا را ی قوی ترین را کت ها ست. بمشکل میتوان فکر کرد که امریکـا با را کتها ی مو جود خود کاری را انجام داده بتوا ند .

بیست وسومین دوره اجلاسیه

اسامبله عمومی ملل متحد

بشریت مترقی صلح می خواهد !

بیست و سو مین دو رهٔ اجلا سیهٔ اسا مبلهٔ عمو می ملل متحد بتا ریخ ۲میزان ۱۳۴۷ در شرا یطی آ غاز گرد ید که :

ـ جنگ در و یتنام بسـر عـت وشدت گسترش می یابد، رو زا نه صدها وهزاران طفل وزن وپیروجوان خلق ویتنام به خاك و خو ن کشا نیده می شوند ، خا نه ها، مکا تـب، شفاخانه ها ، شهرها، فا بریـکـات ومزارع شان بمبارد و ویرا ن میشود واین همه بخا طر آنست که محض می خوا هـنـد کـه کشـور شا ن متحد، آزاد وبی طرف با شد، قوای اجنبی از سر زمین شان خا رج گردد وبمردم و یتنام مو قع داده شود که برای رفع عقب ما ندگی کشورخویش راهی را که خود شان صواب میدانند انتخاب نما یند .

ـ قوا ی متجا وز ا سرا ئیل بیش از یك سال است که با لجا جت وبی شرمی بی سابقه ، بدون اعتنا وعلی رغم فیصله های شورای امنیت ملل متحد وافکار عامهٔ جها نیان، دَرسرزمینهای اشغالی مربوط به کشورهای عربی با قیما نده و آنرا جزء قلمرو خود میدا نند. رهبران صیهو نی اسرائیل بهمدستی متحدین غربی خود زمینه یك جنگ دیگر را علیه ا عراب تدارك می بینند.

ـ با لاخره بیست و سو مین دورهٔ جلسات عمومی ا سا مبلهٔ عمو می ملل متحد در حا لی شروع می گردد که ا مپر یا لیستها،انتقام جو یان ماجرا جو، مر تجعین وافرا طیون می خوا هند به بها نه های مختلف مسا بقا ت تسلیحا تی را شـدت بخشند، قرارداد منع انتشار سلاح ذروی را به تعویق اندازند،پیمانهای تجاوز کارانهٔ نظامی را هر چه بیشتر تقو یت نما یند وا ز را ه ا زد یاد مانورها ی نظا می فضای خـوف ودهشت را بو جود آورند واز طریق (ص ٤)

به سلسله مقصوص طبقات و مبارزات طبقاتی

یک تحلیل علمی درباره دولت

پیچیده ترین پدیده در حیات جامعه بشری عبارت از دو لت است.

بر اساس آ ما معه شنا سی نوین، تنها تئوری مترقی طبقات و مبارزه طبقاتی میتواند کلید شناخت دولت را بدست دهد، منشا و ما هیت تکا مل وجا گزینی یک نوع (تیپ) دولت را به انواع دیگر دو لت و سر انجام زا ئل شدن نهائی آنرا تشریح کند.

جامعه شنا سان بو رژ وائی هیچ مسئله دیگر را به اندازه مسئله دولت مغشوش نساخته اند. علت آن اینست که مهم مسائلی را باندازه مسئله دولت منافع طبقات حا کمه را مستقیم نمیکند. آنها دو لت را بجیث قدرت ما فوق طبیعی میدانند که از زما نها بر خلق قدیم موجود می با شد. آنها میگو یند که دولت خصلت طبقا تی ندارد و محض حمیت یک «آله» بی-آزار «نظم» و یک «حکم» را دارد که که در بین مردم بروز می کند، و در اثنای اجرای وظیفه و با بستکی طبقاتی آنها را در نظر نمیگیرد :

منشا دو لت :

جهان بینی علمی و جا معه شناسی نوین علی رغم ا ید لو لوگهای بورژوائی می کوشد تا محصول رشد تاریخی جا معه می دانند. تغییرا ت در تو لید ما دیست که دو لت را بوجود می آورد. جا نشین شدن یک سرمایه تو لید بجای شیوه تو لید فئودالی باعث تغییراتی در سیستم دو لتی می گردد. طبق جا معه شنا سی نوین دو لت همیشه موجود بوده نیز نبوده است. دو لت در جامعه ا بتدائی (کمون اولیه) یعنی آن جامعه که در آن مالکیت خصو صی وطبقات ا جتماعی متخاصم و جود نداشت، دو لت نیز مو جود نبود، بعضی وظایف اجتماعی که بصورت طبیعی در جا معه ابتدا ئی مو جود بود، توسط اشخاصی ا جرا می گردید که از طرف تمام جا معه برای اجرای آن انتخاب می گردیدند و جا معه حق داشت در هر و قت چنین اشخاص را از وظا یف شا نا ن سبکدوش نما ید و عو ض آن ها اشخاصی دیگری را بر گزیند . یا بعبارة دیگر امور جامعه توسط خود جامعه، طبق ارادة کل با اکثریت ا جرا می گردید.

رشد نیرو های مو لده جا معه ابتدائی را به اندازه مسئله دولت مغشوش نساخته اند. علت آن اینست که مهم مسائلی را باندازه مسئله دولت منافع طبقات حا کمه را مستقیم نمیکند. آنها دو لت را بجیث قدرت ما فو ق طبیعی میدانند که از زما نها بر خلق قدیم موجود می با شد . آنها میگو یند که دولت خصلت طبقا تی ندارد و محض حمیت یک «آله» بی-آزار «نظم» و یک «حکم» را دارد که که در بین مردم بروز می کند، و در اثنای اجرای وظیفه و با بستکی طبقاتی آنها را در نظر نمیگیرد :

منشا دو لت :

جهان بینی علمی و جا معه‌شناسی نوین علی‌رغم ایـد لـو لوگهای بورژوائی می‌کوشد تا محصول رشـد تاریخی جا معه می دانند. تغییرا ت در تو لید ما دیست کـه دو لت را بوجود می آورد. جا نشین شدن یک سرمایه تو لید بجای شیوه تو لید فئودالی باعث تغییراتی در سیستم دو لتـی می گردد. طبـق جا معه شنا سی نوین دو لت همیشـه مو جود نبو ده نیز نبوده است. دو لت در جامعه ا بتدائی (کمون اولیه) یعنی آن جامعه که در آن مالکیـت خصو صی وطبقات ا جتماعی متخاصم و جود نداشت، دو لت نیز مو جود نبود، بعضی وظایف اجتماعی کـه بصورت طبیعـی در جا معه ابتدا ئی مو جود بود، توسط اشخاصی ا جرا می گردید که از طرف تمام جا معه برای اجرای آن انتخاب می گردیدند و جا معه حق داشت در هـر و قت چنین اشخاص را از وظا یف شا نا ن سبکدو ش نما ید و عـو ض آن ها اشخاصی دیگری را بر گزیند . یـا بعبارة دیگر امور جامعه توسط خود جامعه، طبق ارادة کل با اکثریت ا جرا می گردید.

درجامعه ابتدائی مردم بگروب – های هم خون جدا میگر دیـد ، در جالیکه در یک دولت جمعیت براساس تقسیمات ملکی یعنی نواحی ،شهرها، ولا یات وا یا لات وغیـره گروپ بندی گردیده‌اند . تقسیم‌بندی ملکی نتیجه‌ئی از رشد تولیـد ، افزایش تقسیم کار و توسعه تجارت و مبا دله اموال است .

دولت وقتی به مفهوم واقعی آن موجود مبیا شد که قدرت سیا سی ایـن یـا آن طبقه بـر یـک کشور

آسه‌مانی

عوامفریبی در مسأله انکشاف متوازن (!)

محافل حا کمه افغانستان بعد از سوم) » دا میزنند ، ولی در عمـل اعلان قانون اساسی جدید ، بغرض تاکنون که تنها در زمینه اقدام اساسی عوامفریبی سیاسی و اجتماعـی ، بعمل نیامده است ، بلکه روز تاروز عدم توازن در میان طبقات حاکمـه وخلق ، درمیان فقر و ثروت ، در میان شهر و ده ، درمیان مرکز و اطراف کشور شدت بیشتر کسب

از (ص اول)

تشکیل احزاب سیاسی ...

باید جدا متو جـه ایـن واقعیت سرسخت شدکه باا حزاب فرمایشی دولتی نمیتوان «استقرار اوضاع» را تامین کرد! «سرعة آزموده را آزمودن خطاست »!

تنها آن احـزاب واقعی ملی ، دموکراتیک و تر فیخواه وطنپرست میتوانند بحیات خود ادامه دهند وظیفه دموکراتیک و ملی را ایجاد کنند و افغانستان حیات بسر میبرنـد ، ماهیتا از نحاط طبقاتی روطنی با هم متحد اند وهمه در فقر ، بیماری و بی سوادی . ظلم و ستمگری دست و یا میزنند و همه در یک کشتی و یک زنجیر بسته اند .

الیته این اصل کلی باین معنـی نیست که از یک حقیقت جانکاه از چشم پوشی شود که در اثر شیوه – های اداره استبدادی و استعماری در طول صد سال اخیر ، بعضی از خلقهای کشـور بیشتـر تحت ستم قرار گرفته اند و از نحاظ فرهنگی ، سیاسی و اقتصـادی تحت ستم ملی و عقب ماندگی بیشتر واقع شده اند . مثلاخلقهای هموطنی ازکوزه بیرون میکشد که باید هیات حاکمه افغانستان نیز در «بلان‌مرتبه» جویش این عنصر جـدید سیاسی ورشد یابنده جوان را براساس ماده (۳۲) قانون اساسی و قانون عینی جامعه بحساب بگیرد وتوجه خودرا باین تکته حیاتی و ضروری معطوف سازد کـه تشکیل احزاب سیاسی نمیتواند در انحصار هیات حـاکمه کشور قرار گیرد وهرکوته کوشش در راه انحصار احـزاب سیا سی ومحـدودیت ضد دموکراتیک و ضد منافع ملی محکوم به نا کـامی است وباعث هرج ومرج و بی نظمی وعـدم استقرار اوضاع میگردد. نیرو های صدیق وطن اعم ازعناصر مترقی‌ملی، دموکراتیک و تـرقیخواه وطنپرست افغانستان برمبنای اصول سیاسیعلمی خویش بادرنظرگرفتن اشکال وقعف های مختلف مبارزه، برحسب شرایط اجتماعی‌وسیاسی‌کشور، طبق ماده (۳۲) قانون اساسی، بـرای تشکیل احزاب قانونی وعلنی‌وسیع، با بکپول هرگونه قهرمانی، دلیرانه‌وبیگیر مبارزه خواهند کرد .

آمو

بمنظور تامین عدالت و ...

این ادعاها هیچ گونه شواهدی در عمل ایشان ندارد ، چه اگر در ورای دیوار های محیط زندگی شخصـی ایشان سرکشی شود و کلتور غربی آنان مطالعه گردد هر چیزی راممکن درآن پیدا کرد بجز خصوصیات افغانی و خصلت وطنی و احساس عدالت و مساوات در برابر هموطنان . آنان از عدالت اجتماعی و مساوات میزنند سعی میورزند در لباس ، در آداب وسنن زندگی و حتی در ادای سخن وبرخورد از شیـوهٔ اروپائیـان و امریکائیان متابعت کنند اما همیشگه امتیازات نا مشروع شان از طرف میارزان وطنپرست مورد انتقـاد و مخاطره قرار گرفت ، آنانرا بصفـدلی بودن ، بی دین بودن و اقسام نامها مورد حمله قرار میدهند و کوشش مینمایند حیثیت واعتبار ایشان رادر

از (ص اول)

بین مردم تضعیف کنند و بدینوسیله خدمتگاران مردم را از توده های مردم جدا نمایند .

برای این واعتقان که با آب و تاب از «عدالت اجتماعی و مساوات » حرف میزنند ، باید گفته شود که کرسنگی ، مرض و بی علمی ملیونها انسان رنجیده وستمکش را نمیتوان باحرف حقه دروغ توجیه کرد . پس نباید بـرزخـهای مردم نمک پاشید، و نباید از رفاه و ثروتیکی صحبت نمود که واقعیت ندارد و بمنظـور فریب مردم ساخته و بافته میشود .

نگذاریم مردم‌خودمـیتوشتشانرا تعیین کنند و عدالت اجتماعـی و مساوات واقعی را در جامعه تامین نمایند . بایدبه‌توجه بودکههر گام‌وهرقانون مربوط بکدام کشور است ؟ آن‌گران که در غزنیها ، کیها ، سمجها و طبقاتی مامی‌باشد، برحسب تمایلات ذهنی وسیاسی خویش معامله نمایند و جیرا جرباتیات اصیل سیاسی را برزعم خود ، در نقطه حقه سازنـد . آنها کـه سنگ «عشق به وطن» را بسینه میزنند وبرای وطن لالائی سرمیدهند تـاهمه فرزندان وطن را بخواب سنگینی فرو برند، میکوشند تاسمایل جـدی ملی و دموکراسی را بآوازهای مصرح در قانون اساسی دسته های سیاسی جاکمه در همان بدوامر یاماهیت فاسد و پوسیده‌خود، باکوچکترین تغییر وضع ازهم‌پاشیده اند ومهر سیـاه درچین شان ظاهر شده اند واز صحنه سیاست خارج گردیده اند .

ترکمن دیلی‌نین بولو می

آچ گوزینگنی - آل حقیقینگنی!

غریب ملت اوزبنگ تانیب حقینگ ال
عمری یاشاب گزمك بولمز خوار بولوب
دوست فیسی دور دشمن فیسی تانیب بیل
مدام بویله یاشاب بولمز زاد بولوب!

• • •

اینانمغین حیله ـ فریب آل لاره
قوانمغین بایده بولان مال لاره
یاقیب کوگین سن برلاشان ایل‌لاره
سن کیچمه دنیادان گوزی کور بولوب!

• • •

بی‌علم نادانلر اوزی کیم‌اوز که
بیلمه‌لار اینانمز نادانلارسوز که
بایلار قورقی بیریب سالدیم دیردوزگه
ایتانیب آلدانیب گزمه خوار بولوب!

• • •

علم آلسانگ قوتو لورسن خوارلیقدن
اوزینگ تانیب سن دینارسن زارلیقدن
نصلاب ماچقین بویله گوزی کورلیقدن
آچ گوزینگگ آل‌حقینگی بار بولوب

• • •

ای‌قدایی ، گورگز یوراد پر لینی
برلشیگه ،جاغر غریب ایللینی
کوچ بر‌گایوب باغلاسونلر بیللینی
یاقسونلر ایتدی بویله خوارلیقلری

م ـ دولت فدایی

شرایط کار برای کارگران طاقت فرساست!

در ماده ۳۲ تشکیل جمعیت را مجاز شموده است .

کارگرانیکه بعلامت اعتراض با زندگی مرگبار موجود ، علیه ظلم و ستمگری کار فرمایان دست به‌مبارزه میگیرند ، دسته ـدسته یا از کـار برکنار نموده یا روانهٔ زندان‌میکنند، یا تسلیم محاکم می نمایند .

مثال های زنده این اعمال غیـر قانونی و خود سرانه ، اخراج، حبس

(دلهره مخ پاتی)

بیاهم دهیو اددصنعتی کرو لو ...

حمایه‌گری» ، بـه نتیجه کـی باید به صراحت اعلان وشی جـه دهیواددهو جوده‌حاکمه هیات دخارجی مشا ورانو دسوء نظر یاتو اود خیلو آید بالوژ یکی تمایلاتو تر تراتلرلاندی دهیواد به دریم پنجه کلن پلان‌کپنی دهیواد صنعتی کرو‌له خیلی نرومال، کپوزری او علما تجر به شوی مجرانه منحرف کری‌اویه یوغیر مفید اودعلی منافعو ضد مسیر کی‌بی اچولی دی.

دامیر بالیزم‌واز تحاخ کپی‌اجاب کوی چه خورم‌ممکنه وی زمورهبواود دی وزورسه یاتی شی ، ازخو لهدی لازی خخه کپی داخلی اوخیل عمرته ژارم در کری .

ددی ستری وطبقی سرته رسول یعنی دهیواد صنعتی‌کول یوازی‌دملی دمو کرا تیک حکومت دتا سیس لـه لاری او دزدنو صنا ئعو دستولو ته پایه امکان پیدا کولای شی بـدی توگه گیدی‌شی دهیـواد اقتصا د ی استقلال تامین ، اوز مور ملی آزادی بحنبو نکی نهضت وزو سمتی پری ته ور سیږی .

داساسی صنا ئعو دهستو لوله‌اره ترهر حه دمخه دخپلو د اسا سی اصلا حاتو اجرا کول ، تر پولـو ضرو ری شرط دی

ملی دمو کرا تیک حکومت کـو لی شی داقتصاد دولتی سکتور دتقویی دخارجی تجارت دملی کـولو ، اود باتری تجارت دیر اختیا، بهشمتو طبقا تو اودسترو عواتودبه‌خاتدانو دملیالیتو دزناتولو ، داداری لکیتنو دسمو لو، به قیمتو نو باندی دکلك کنترول دپتنگولو ،دقیـنتو تعادلاته دمخه تو لید پهاا فرا رو کی را ځی دداخلی صنا ئعو دخپا تو لید به ورخه کـی مستیځم او شدیـد سنیا سیت طبقه او جهانی امپر یالیزم دی .

د هیواد د صنعتی کیدو اساسی مانع همدا د هیواد مو جوده حاکمه طبقه او جهانی امپر یالیزم دی .

طبعا بداساسی شرائطو کـی پـه د اقتصاد د دولتی سکتور دتقویی او د اساسا سی از کلیـدی ، درنـو او متو سطو صنا ئعو به خاتگو کی ، دغیر سر مایه داری رشد له لاری د دولتی سر مایه داری طریقه ده چه د دولتی سر مایه داری دسکتور دیرا خولو مجرا تـه سوق شی چـه دهیواد د صنعتی کولو له احترا سره هرسته وکړی اویه واقع‌کی دهغه تکمیلولکی وی .

به پای کی یی به بنکاره اعلان کیږی چه هو جوده حاکمه هیات او دکهنه کادر او نو یو دروان له رسید ور سودا گرو او وسه پوره ندی چه به لاری او دزدنو صنا ئعو دتابلو دی او دبنایو وچه هدف یی بوازی او بوازی دخپل ځان او خپلو امیر ا نو لستی حدا میاتو خریصی گټی دی ، دهیواد دخو سوو کلو نو پسمانی جبران کاندی .

د هیواد د صنعتی کیدو اساسی شرائط دتولید ایجاد میگردد آغازمیشود، وسیس تغییرات‌متناسبی درمناسبات تولیدی بروز میکند ، مناسبات‌تولید که تحول و تکامل آن وابستگی تام به تغییر در نیرو های مولد دارد،با توبه خود در نیرو های مولد تاثیر عظیم میکند .

(باقیداره)

اقتصادی تعریفونه‌اواصطلاحات

ماخذ : دعلم اقتصاد رساله

پیتنو:
.....

دی:
.....

مبادله : در آن ساختمانیهای اجتماعی که تولید کالائی وجود دارد، توزیع خواسته ها بوسیله مبادلـهٔ اموال یا یکدیگر انجام میگیرد .

بدیطریق تولید ، توزیع ، مبادله و مصرف مجموعا وحدانی را تشکیل میدهند که در میان آنها تولیدنقش قاطع و عمده را بازی میکند . اشکال مشخص توزیع ، مبادله و مصرف به نوبهٔ خود در تولید تاثیر متقابـل دارند و بر حسب اوضاع و احوال معین در افزایش یا کاهش توسعـهٔ تولید موثر اند .

تولید دو جنبه دارد : جنبهٔ فنی و جنبهٔ اجتماعی .

دافتصاد علم د نو لید ا جتما عی علم اقتصاد مطالعه قرار میدهد ، باین معنی‌چه‌ها جتما عی تو لید کـی بل دنسا نا تو نر مینځ ورا بطه یی بل دتو لید ا جتما عی یعنی‌د تولیـد اقتصادی مناسبا تو بحث کو ی .

دسرما به دا دی د پرا خپلا یه کتاب کی دا سی لیکل شویدی .

«دا اقتصاد علم به هیچ نو گه یه «نو لیده» نه بو خت کیږی مگر یـه نو لید گی دا فرادو اجتما عی‌روابط او د تو لید اجتما عی سا ختما ن تر بحث لاندی نیسی . »

علم اقتصاد منا سبات تو لیـد را درتاثیر متقابل شان با نیرو هـای مولد مورد بحث قرار میدهد .

• • •

د تولید شیوه ، وتو لیـد وده او تکامل دهغـه داجزاوزو تحر کـ:

شیوهٔ تولید از مجموعهٔ نیروهای مولد و مناسبات‌تولید‌تشکیل‌میگردد. نیروهای مولد محرك ترین وانقلابی‌ترین جزء تولید استند . رشد و تکامل تولید بدوا در تغییراتیکه در نیروهای مولد و در مرحلهٔ اول در ابزار تولید ایجاد میگردد آغازمیشود، وسپس تغییرات‌متناسبی درمناسبات تولیدی بروز میکند ، مناسبات‌تولید که تحول و تکامل آن وابستگی تام به تغییر در نیرو های مولد دارد،با توبهٔ خود در نیرو های مولد تاثیر عظیم میکند .

(باقیداره)

عبدالقدوس کارگر...

با شترا ك یك عـده از متنفذین و مر تجعین محلی و نما یند گان محافل حاکمه در قا بریکه گلبهار ترتیب داده شده بود که‌دران خلاف فیصلهٔ قبلی وکلا ووا لیان که پیسوا و پروان نقشه‌ئی علیه کار گران، مخصوصا عبد القدو س کارگر زندانی طرح وفیصله گردید، وبما مو دین محل دستور اجرای آن صادر شد .

قـرا ر یـك خبـر دیـگر وضع صحی عبـدالقـد و س کار گردد اثر فشار و شکنجه‌مقامات محلی حکومتی تشویشی آور است وبر علاوه خلاف تمام مـوا زیـن دموکراتیك قانون اسا سی و علامیهٔ کار گران فا بریکه نسا مبرده بحکم قانون، هر چه زود تر از حبس رها کرده‌اند !

از (ص اول)

ژوند کی ستر منفی نقش دوروسته دنه ارلو ـ به بلـه اود صنائعو پـه‌یی اهمیته ینو دلو ، دهیواد دصنعتـی کولو مسأله خنډوی اوددی ضد ملی سیا ست به‌نتیجه کی کال پـه کال زموږ او زموږ دګا ونډیو هیوا دونو ایران او پاکستان تـر مینځ خلیـج لاوازو پرې اوبر اختیا موهی، دجهان بر مختلفی صنعتی هیوا دو نه خو لا پخیل ځای بر بردی . دی مقا بسوی رقم ،یا ملیارډ ګوګی : دهیواد ۱۳۴۵ کال دډول صنعتی تو لید صحیـح اوزښت د ۱۵۰ ملیونو دالرو معادل دی ده پاره چه‌هیواد صنعتی شی تر دی لا زیات مسوولین تو لید صحیـح دوی ته پاره چه‌هیواد صنعتی شی تر ټولو ا سا سی شرط دمادی‌او تکنیکی زیر بنا هستول (دملی اقتصادتأمین) اود ماشینو او هیواد له مادو نو څخه پراخه استفاده‌ده. د نړی د صنعتی هیوا دونو له تجربو سره سم یوازی دهمدی زیر بنا دهستو لوپر مبنـا ممکنه ده‌ګرځنده، ماادارې اودمضرفی صنا ئعو پـه‌یی سره تعو یر ی خانګی یو بر اختیا ومو می . دخلکو دژونـد سطحـه لوړه شی اود خلکـو رفـاه تامین شی . لههمدی کیله صنعتی کول دافغا نستان غوندی دګم رشـد قیلی وګا وو ا لیان تـه پیسوا و وظیفه ده، (ده‌ی کیله چه‌دا مقاله دپراخ تحلیل او تجز یی کنجا ښی نلر ی، ګران ئی لو ستو نکی دی لطفاد پر ځم معتدو اقتصادی او مالی مقا لـو تـه مراجعه‌او ګوری)پههمدی علت هیوادد دصنعتی کولو مو ضوع مخامخ‌پهلانډه توګه مطرح ګو .

دافغانستان خلکو ترقی غوښتونکی دمو کرا تیك ټول قو تو نه او پوهان صدیق ملی او وطنپال جریا نونه ، محافـل او عناصر به قطعی توګه دی سترو ن نتیجی ته رسیږی چه دافغا نستا ن به فوق العاده کـم رشده اقتصا دی

از (ص اول)

خبردیگر میر ساند که علیه کارگر نامبرده وشدا قو تا نو جعلی تهیه میگردد تابه بهانه‌ئی یاان اسارت‌آور سوداگر دلال مو رد تطبیـق قـرا ر گیرد .

پرچم:یکبار دیگر اعمال ضدکرامت انسانی وضد قا نو نی کـار فـرمای مغرور نموده، مسؤولیت‌عواقب ناګوار این خود سریها ومطلق‌العنانی هارا متو جه مقاما ت میدا نـد که درتطبیق این د ستو ر سی دست دا رند ویاازآن جلو ګیری نمی کنند .

با ید عبدا لقدو س کار گر و کیل کار گران فا بریکه نسا مبرده کـه دیفاع از حقوق طبقهٔ خود ش میکرد ، دسته ـدسته یا از کـار برکنار نموده یا روانهٔ زندان‌میکنند، یا تسلیم محاکم می نمایند .

خلیل «نجاد»